۱۰۵ بیمارستان تهران درگیر کرونا

جلیل کوهپایه‌زاده، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت: «نزدیك به ۱۷۰ بیمارستان خصوصی و دولتی در تهران وجود دارد که ۱۰۵ بیمارستان درگیر بیماران کرونایی است.» به گفته وی نزدیك به ۳۰ درصد تخت‌های مراقبت‌های ویژه و حدود ۲۵ درصد تخت‌های بستری در اختیار بیماران کرونایی است. کوهپایه‌زاده ادامه داد: «داروهایی که جزو پروتکل دارویی کشور مثل فاویپیراویر و رمدیسیور وجود دارند، در اختیار بیمارستان‌های دولتی و خصوصی قرار گرفته است و از نظر دارو و تست‌های پی‌سی‌آر مشکلی نداریم.» /جام جم دیلی

کرونا به افراد دارای ژن نئاندرتال‌ها نزدیك‌تر است

محققان ادعا کرده‌اند، افراد دارای مجموعه‌ای خاص از ژن‌های نئاندرتال، با خطر بیشتر مرگ ناشی از ابتلا به کرونا روبه‌رو هستند. انسان نئاندِرتال گونه‌ای از سرده انسان بوده که در اروپا و بخش‌هایی از غرب آسیا، آسیای مرکزی و شمال چین (آلتای) زندگی می‌کرده است. محققان آلمانی و سوئدی در یك مطالعه موفق به کشف مجموعه خاصی از ژن‌ها - بخش‌هایی از دی‌ان‌ای - شدند که با افزایش خطر مرگ ناشی از آلودگی به کووید-۱۹ ارتباط دارد. /ایرنا

یادداشت

کرونا محدود نیست

مسعود مردانی

عضو کمیته علمی ستاد ملی مبارزه با کرونا

امروز قرار است اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا درباره محدودیت‌های تهران تصمیم نهایی را بگیرند. شرایط تهران این روزها، زیاد خوب نیست. این را می‌توان از آمار بالای ابتلا و مرگ‌ومیر و نیز مراجعه روزانه حدود ۵۰۰ نفر به بیمارستان‌های تهران متوجه شد. به همین دلیل، این روزها مسؤولان اجرایی ستاد ملی مبارزه با کرونا، بیشتر از هر زمان دیگری باید به فکر وضع قوانین و مقررات محدودکننده در کشور باشند. تعطیلات آخر این هفته، نزدیک است و تا چند روز دیگر، میلیون‌ها خانواده راهی شهرهای شمالی یا دیگر مراکز گردشگری خواهند شد، ولی ستاد ملی مبارزه با کرونا می‌تواند با ایجاد محدودیت‌های لازم مانع مسافرت‌های غیرضروری مردم شود.

همچنین امروز متاسفانه بسیاری از مردم، تمایلی به استفاده از ماسک ندارند و با وضع قانون و برخورد با متخلفان می‌توان کسانی را که از ماسک استفاده نمی‌کنند، جریمه کرد. امروز اعضای ستادملی مبارزه با کرونا نیز بهتر است درباره بازگشایی مدارس تجدیدنظر و حضور در مدارس شهرهای قرمز را ممنوع اعلام کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بهتر است هرچه زودتر مقررات دورکاری در شهرهای بزرگ و با شرایط حاد نیز بازگردد. دورکاری کارمندان در زمان اجرا، نقش مهمی در کاهش شیوع کرونا به‌خصوص در تهران داشت و تاثیرات خوبی بر افت آمار ابتلا به کرونا گذاشت. همچنین طرح ترافیک نیز باید در شهرهای پرتردد و شلوغ از جمله پایتخت لغو شود و مجدد امکان استفاده آسان از وسایل نقلیه شخصی فراهم شود تا شاهد خلوت‌تر شدن قطارهای مترو و اتوبوس‌ها باشیم.

در این میان، برخی کارشناسان از جریمه کردن مردم بابت رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی انتقاد می‌کنند؛ اما باید توجه داشت می‌توان درآمد به دست آمده از طریق این کار را برای خود مردم هزینه کرد. از جمله این که می‌توان با این مبلغ ماسک خرید و به صورت رایگان در مکان‌های شلوغی مانند مترو، اتوبوس و پاساژها در اختیار شهروندان قرار داد. این مساله کمک شایانی به سبد هزینه‌های خانوار خواهد کرد و اصولا در شرایط کنونی اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا وظیفه دارند به سبد هزینه‌های خانوار و مبالغی که خانواده‌ها برای تامین مواد ضدعفونی‌کننده و ماسک خرج می‌کنند، توجه لازم را داشته باشند.

نکته مهم دیگری که این ستاد باید به آن توجه کند، اختصاص یارانه به واکسن آنفلوآنزاست. زیرا اگر واکسن آنفلوآنزا به صورت رایگان در اختیار بخش زیادی از افراد جامعه قرار گیرد، احتمال شیوع این بیماری و در نتیجه هزینه‌های تحمیلی ناشی از آن بر نظام سلامت کشور کاهش پیدا می‌کند. اما امروز متاسفانه خبرهایی به گوش می‌رسد که قرار است ارز نیمایی را به واکسن آنفلوآنزا اختصاص دهند. با این کار، واکسن آنفلوآنزایی که امروز ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان به فروش می‌رسد، با قیمت ۲۴۰ هزار تومان به فروش خواهد رسید، این تصمیم می‌تواند سفره خانواده ایرانی را کوچک‌تر هم کند. بهترین کار اما این است که اعضای کمیته ملی کرونا برای ماسک، آنفلوآنزا و مواد ضدعفونی‌کننده یارانه در نظر بگیرند تا به کاهش آمار ابتلای بیماران کمکی کرده باشند.

رشد آمار نزاع در دوران سخت اقتصاد

مشکلات اقتصادی سال‌های اخیر کشور سفره مردم را کوچک‌تر کرده است و دشواری‌های معیشتی‌شان را بیشتر. اتفاقی که باعث شده است آمار جرایم و آسیب‌های اجتماعی در این سال‌ها نیز افزایش یابد و حتی تعداد پرونده‌های نزاع نیز رشد کند؛ تا جایی که دیروز عباس مسجدی‌آرانی، رئیس سازمان پزشکی قانونی در دیدار با اعضای فراکسیون زنان مجلس از وقوع ۶۰۹ هزار پرونده نزاع در سراسر کشور خبر داد. این در حالی است که براساس آمارهای رسمی این سازمان در سال ۹۷، حدود ۵۸۰ هزار پرونده نزاع در ایران به ثبت رسیده بود و این مساله رشد ۵ درصدی تعداد این پرونده‌ها را در فاصله سال‌های ۹۷ تا ۹۸ نشان می‌دهد. /جام جم دیلی

ماجرای ستون خوابی در بندرعباس خیلی زود در فضای مجازی فراگیر شد و خیلی‌ها را به یاد افزایش آسیب‌های اجتماعی و پدیده‌هایی مانند گورخوابی انداخت، این در حالی است که مدیرکل فرهنگ و ارشاد هرمزگان افرادی را که روی ستون‌ها می‌روند، دزد میلگرد معرفی کرده است

شیوع کرونا در کشور باعث تشدید آسیب‌های اجتماعی و ضعف حمایت از آسیب‌دیدگان شده است

ویروس کمبود حمایت

مریم خباز

جامعه

فیلمی که از بندرعباس در سراسر ایران پخش شد و ادعای اول درباره‌اش، شروع پدیده ستون خوابی به جای گورخوابی بود، اگر توسط مسؤولان محلی تایید می‌شد، می‌توانست جنجالی بزرگ به‌پا کند. می‌شد رسانه‌ها بنویسند وقتی قیمت یك خانه نقلی سر به فلك کشیده و حتی مستاجر بودن و به موقع کرایه خانه دادن، برای عده‌ای آرزو شده، چندان عجیب نیست اگر آدم‌های از همه‌جا رانده و مانده بروند بالای ستون‌های بتونی در یك پروژه عمرانی رهاشده و آن بالا با هر بدبختی‌ای دست و پا را جمع کنند و زندگی که نه، بلکه زنده بمانند. اما مسؤولان محلی، ستون خوابی را تایید نکردند و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان که این ستون‌های خبرساز در حوزه استحفاظی او و متعلق به تالار فرهنگی بندرعباس بود، این به‌ظاهر ستون خواب‌ها را دزدانی معرفی کرد که مدتی است، افتاده‌اند به جان میلگردهای ستون‌ها. ما فرض را گذشته‌ایم بر درستی این حرف و رد ادعای ستون خوابی، کاری هم به این نداریم که چرا کلنگ ساخت این تالار فرهنگی سال ۸۸ به زمین خورده و در سال ۹۹ و پس از ۱۱ سال هنوز چیزی جز چند ستون نیست، به این هم کاری نداریم که ۱۵ میلیارد تومانی که تا به حال خرج شده الحق که انگار دور ریخته شده است.

ما فرض را گذاشته‌ایم بر سارق بودن آدم‌های بالای ستون و فرض کرده‌ایم آن کودکی که پای ستون ایستاده و سر طنابی را گرفته، نمی‌خواهد مواد غذایی به آن بالا برساند، بلکه شریك دزد و رفیق قافله است. اما می‌خواهیم محکم بگوییم اگر یك پسرك کم‌سن و سال دستیار دزد است، این آسیب اجتماعی است و اگر کسی در یك پروژه رهاشده دولتی دارد دزدی می‌کند، این هم آسیب اجتماعی است.

ما به آسیب‌های اجتماعی کار داریم که بعد از شیوع کرونا و سخت‌تر شدن زندگی، زیادتر شده‌اند و برخی آمارها و اظهارنظرها نیز آن را تایید می‌کنند. ما با پنج آسیب اجتماعی مهم کشور کار داریم که سال‌ها قبل رهبر معظم انقلاب آنها را شمردند و گفتند که اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، مفاسد اخلاقی و مناطق بحران‌خیز کشور باید در اولویت توجه و اقدام باشند، پنج آسیبی که همیشه آسیب بوده‌اند ولی حالا پس از شیوع کرونا و در عصر ناشناختگی، غافلگیری و بی‌ثباتی ناشی از جولان این ویروس در کنار انواع و اقسام دیگر آسیب، نیازمند مهار و تیمار جدی‌تری هستند.

لطفا به ما کمك کنید

چلك:
آسیب‌دیدگان اجتماعی در اولویت نهادها و دستگاه‌های متولی نیستند و اگر نهادهای غیردولتی نبودند و به حد توان آستین بالا نمی‌زدند یا رسانه‌ها نبودند و به دولت فشار نمی‌آوردند، اوضاع می‌توانست بدتر از این باشد

فقرا اگر مادر همه آسیب‌های اجتماعی و بیکاری اگر علت اصلی آن باشد، آمارهای رسمی ما اوضاع خوبی را از هیچ کدام نشان نمی‌دهد، مخصوصا بعد از ورود کرونا به کشور و به‌هم ریختن کاسه و کوزه بیشتر کسب و کارها. دور نبود، همین شهریور گذشته بود که تقی‌رستم‌وندی، رئیس سازمان امور اجتماعی کشور درباره از دست رفتن حداقل سه میلیون فرصت شغلی در کشور گفت و پیش‌بینی کرد ۱۰ درصد اشتغال‌ها کوچك‌تر می‌شود و در نتیجه فشار بیشتری بر خانواده‌ها وارد می‌شود.

این فشار به زبان عامیانه همان فقر و کوچك‌تر شدن سفره مردم است و چاشنی‌اش بیکاری است که به قول رستم‌وندی موجی از احساس درد و رنج و اضطراب و افسردگی را به همراه می‌آورد.

بخشی از کسانی که به این وضع دچار شده‌اند، به گفته مدیران کل کمیته امداد در برخی استان‌ها برای دریافت کمك، دق‌الباب این کمیته را کرده‌اند. اکبر میرشکار مدیرکل کمیته امداد استان قم گفته است سال گذشته ۱۴۴۸ خانواده زیر پوشش کمیته رفته‌اند. ولی در سال ۹۹ فقط از فروردین تا مرداد این پوشش‌دهی به ۱۶۹۴ خانواده رسیده که همسنگی اتفاقات پنج ماهه امسال با ۱۲ ماه سال گذشته را نشان می‌دهد.

در سایر شهرهای قم هم ادارات شهرستانی کمیته امداد به گفته او روزانه با بیش از ۵۰۰ مراجعه روبه‌رو هستند.

در ایلام هم اوضاع مشابه است و قنبر موسی‌نژاد، مدیرکل کمیته امداد استان از افزایش مراجعه مردم به دفاتر این کمیته، به‌واسطه کرونا خبر داده و عمده‌ترین دلیل این افزایش را فشارهای اقتصادی ناشی از پیامدهای کرونا دانسته است. بخش بد ماجرا در ایلام این است که به گفته مدیرکل بیش از ۷۰ درصد مراجعان کسانی هستند که تا به حال از کمیته امداد، کمك نخواسته بودند و مراجعه اولی به حساب می‌آیند.

تا اواخر شهریوری که گذشت، اوضاع مالی مردم در یزد و وضعیت خانوارهای ضعیف نیز چنگی به دل نمی‌زد و کرونا تاثیرش را گذاشته بود. محمد شجاعان، مدیرکل کمیته امداد استان یزد با گلایه از این که پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب هزینه بی‌تدبیری برخی مسؤولان را باید مردم پرداخت کنند، از افزایش ده هزار خانواری جمعیت تحت‌پوشش این نهاد، در جریان شیوع کرونا خبر داده بود که می‌شود ۲۵ هزار خانواده با جمعیتی ۵۰ هزار نفری.

اینها را اگر بگذاریم کنار گفته‌های علی عاشوری، مدیرعامل صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت که در گفت‌وگو با مهر عنوان کرده بود در شش ماه نخست امسال و درست در روزهای جولان کرونا در کشور، مراجعه نیازمندان برای دریافت وام ودیعه مسکن ۱۰۰ درصد افزایش یافته؛ آن وقت پکیج فقر پس از کرونا تکمیل می‌شود.

آزادی شاید وقتی دیگر

در زندان‌ها قربانیانِ همه جور آسیب اجتماعی یافت می‌شود، تولیدکنندگان آسیب‌های اجتماعی هم در زندان‌ها یافت می‌شوند. از میان همه قربانیان این آسیب‌ها، اما یک عده مجرمان غیرعمدهستند که سالی یک‌بار برای آزادی‌شان گلریزان می‌گیرند و در طول سال نیز یک جماعت خیر، همیشه در کار آزاد کردن زندانیان بی گناهند. این روال چهار دهه اخیر بوده، ولی کرونا این روال را نیز به‌هم‌ریخته و روند آزادی زندانیان جرایم غیر عمد را کند کرده است. این ماجرایی است که اسدا... جولایی، مدیرعامل ستاد دیه کشور آن را روایت می‌کند و در شرح رابطه این افت با کرونا می‌گوید افزایش بی‌سابقه نرخ دیه و وضعیت اقتصادی و تورم که دامن بسیاری از افراد و طبقات اجتماعی را گرفته، باعث شده افراد با بدهی‌های سنگین وارد زندان‌ها شوند و کمک خیران هم کفاف پرداخت دیون و درنتیجه آزادی زندانیان را ندهد. ماندگاری زندانیان در ندامتگاه کشور به معنی چشم‌انتظار ماندن خانواده‌های بدون نان‌آور است، نانی هم اگر دربیاورند، باید خرج خوردوخوراک شود و اگر سرپناه شخصی نداشته باشند درنتیجه کوچک‌تر شدن دخلشان، باید از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به حاشیه‌ها یا روستاها کوچ کنند که آن‌هم شروع زنجیره‌ای جدید از مشکلات است؛ مثال آشکار کوچ خانواده زندانیان به روستاها. مهاجرت تعداد زیادی از خانواده زندانیان ندامتگاه تهران بزرگ به روستاهای اطراف زندان است که صدای اعتراض مردم و مسؤولان حسن آباد و فشافویه را بلند کرده، مهاجرتی که بعد از شیوع کرونا شدت نیز گرفته است.

سلامت مخدوش روان

علیگو:
خشونت‌های لفظی و کلامی در دوران کرونا، کاملا افزایش یافته و ناراحتی‌ها و غم‌های ابراز نشده که خود را در قالب افسردگی‌ها بروز می‌دهد، بیشترشده که تعداد تماس‌های مردمی با اورژانس اجتماعی آن را تایید می‌کند

اگر کرونا قادر است سه میلیون فرصت شغلی در کشور را از بین ببرد و میلیون‌ها نفر را بیکار کند، قطعا قادر است با اعصاب و روان جمعیتی چند برابر این نیز بازی کند، آن‌قدر که سلامت روان‌شان به خطر بیفتد و طبق تخمین‌های رئیس انجمن علمی پیشگیری از خودکشی، احتمال انتحار را تا پنج برابر افزایش دهد. یکی از بدترین تاثیرات کرونا بر مردم جهان، به مخاطره انداختن سلامت روان آنها بود. این مخاطره شامل حال ما نیز شده و محمود علیگو، مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی به جام جم می‌گوید: «خشونت‌های لفظی و کلامی در دوران کرونا، کاملا افزایش یافته و ناراحتی‌ها و غم‌های ابراز نشده که خود را در قالب افسردگی‌ها بروز می‌دهد، بیشترشده که تعداد تماس‌های مردمی با اورژانس اجتماعی که ما آنها را به سامانه مشاوره ۱۴۸۰ ارجاع داده‌ایم آن را تایید می‌کند.»

حسن موسوی چلك، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نیز کرونا را عاملی برای افزایش تنش و اختلافات خانوادگی در کشور می‌داند که همگی برسلامت روان افراد تاثیر داشته و بیشتر خود را در قالب رفتارهای خشونت‌آمیز بروز می‌دهد. او می‌گوید: «ورود ابزارهای هوشمند به تحصیل کودکان و نوجوانان نیز ماجرایی کرونایی است که آثار مخرب آن بر سلامت روان بچه‌ها به‌تدریج مشخص می‌شود. اما هیچ نهادی برای تامین سلامت روان جامعه برنامه‌ای ندارد، از شورای اجتماعی کشور گرفته تا شورای سیاستگذاری سلامت، شورای‌عالی جوانان، شورای‌عالی رفاه و تامین اجتماعی و حتی شورای‌عالی آموزش و پرورش.»

وضعیتی را که بعد از کرونا بیشتر از قبل گرفتارش شده‌ایم موسوی چلك در یك جمله خلاصه می‌کند و می‌گوید: «آسیب‌دیدگان اجتماعی در اولویت نهادها و دستگاه‌های متولی نیستند و اگر نهادهای غیردولتی نبودند و به حد توان آستین بالا نمی‌زدند یا رسانه‌ها نبودند و به دولت فشار نمی‌آوردند، اوضاع می‌توانست بدتر از این باشد.»

بار کرونا روی دوش بچه‌ها

از بچه‌های مرفه و فرزندان خانواده‌های متوسط رو به بالا حرف نمی‌زنیم، بلکه از کودکان قشر ضعیف، آسیب‌دیدگان اجتماعی و بچه‌های کار و خیابان می‌گوییم که تیره‌بختی‌شان بعد از کرونا تشدید شده و کارهایی که برایشان انجام شده مثل رگباری در کویر اثر چندانی نداشته.

محمود علیگو، مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به ما می‌گوید کرونا اثر وضعی مستقیمی در حوزه کودکان کار نداشته، اما این بیماری در قالب یك رفتار پرمخاطره خودش را نشان داده که در پایتخت، بهزیستی به کمك شهرداری تهران میان آنها ماسك و موادضدعفونی‌کننده توزیع کرده و به آنها آموزش‌هایی ارائه داده تا نحوه مراقبت از خود مقابل کرونا را بیاموزند.

او گفت مشابه این اتفاقات در اکثر شهرهای کشور که اورژانس اجتماعی داشته‌اند نیز رخ داده و فقط در تهران ۱۶ هزار بسته بهداشتی و در کل کشور حدود ۸۰ هزار بسته توزیع شده است.

با این حال فاطمه ایزدپناهی، مدیرعامل موسسه نوید زندگی کوشا، موسسه‌ای که اعضای آن برای حمایت از کودکان کار و بازمانده از تحصیل در تهران و سیستان و بلوچستان تلاش می‌کند به ما می‌گوید حدود هفت ماهی که از شیوع کرونا می‌گذرد من و همکارانم شاهد تحمیل آسیب‌های جدی‌تری به کودکان کار و خانواده آنها بودیم در حالی که نشانی از بهزیستی برای رفع این مشکلات ندیدیم.

البته علیگو نیز تاکید کرد که می‌داند کارهای انجام شده برای کودکان کار و خیابان کافی نبوده، ولی ایزدپناهی فراتر از این کافی نبودن حرف می‌زند و می‌گوید: نبود حمایت ویژه از سوی بهزیستی برای کودکان کار و خانواده‌های آنها باعث شده تا کار سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه بیشتر شود به‌طوری که مثلا اگر ما پیش از این اولویت‌مان آموزش خانواده و توانمندکردن آنها بود حالا ناچار شده‌ایم بخشی از بودجه خود را صرف خرید بسته‌های غذایی کنیم.

این چالش و این تقابل همواره در کشور ما وجود داشته، ولی در عصر پررنج کرونا دارد خودش را قوی‌تر و جدی‌تر نشان می‌دهد، چالشی که اگر حل نشود فقط به عمیق‌تر شدن مشکلات اقشار آسیب‌پذیر و در نتیجه افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود.